

## الگوی فراگیر برای مطالعه عوامل استراتژیک محیطی مؤثر بر اعتماد سیاسی (طراحی و آزمون مدلی در ایران)

محمد خانباشی<sup>۱</sup>

دکتر شمس السادات زاهدی<sup>۲</sup>

دکتر سیدمهدی الوانی<sup>۳</sup>

دکتر وجه‌الله قربانی زاده<sup>۴</sup>

تاریخ وصول: ۹۰/۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۱۲

### چکیده

اعتماد بنیان بسیاری از تعامل‌ها و کنش‌های روزمره در جوامع انسانی چه در زمینه ارتباطات میان فردی و چه در حوزه ارتباطات اجتماعی بین گروه‌ها است. در اکثر جوامع به علت مجموعه‌ای از عوامل نظیر از خود بیگانگی، فقدان سرمایه اجتماعی، وجود رسانه‌های انتقادی و یا میزان پاسخگویی نهادها و سازمان‌های عمومی، میزان اعتماد به دولت و سازمان‌های تابعه کاهش یافته است. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی عوامل محیطی نظیر سطح اعتماد اجتماعی در جوامع بشری احتمالاً این پدیده را تشدید می‌نماید و یا به گونه‌ای بر آن مؤثر است. در این مقاله ابتدا به بررسی ادبیات اعتماد می‌پردازیم و سپس تأثیر عوامل راهبردی محیطی را در افزایش یا کاهش اعتماد سیاسی ارزیابی می‌کنیم. بنابراین هدف این مقاله مطالعه و بیان نقش عوامل استراتژیک محیطی (PEST) در اعتماد عمومی به دولت‌ها است. روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است و برای جمع‌آوری اطلاعات آن از ابزار پرسشنامه و برای بررسی و تحلیل فرضیات آن از نرم‌افزارهای آماری SPSS و LISREL استفاده شده است. سازمان‌های دولتی و غیردولتی شهر تهران جامعه

۱- دکترای مدیریت دولتی و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۳- عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۴- عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی



آماري اين پژوهش را تشكيل مي دهند كه نمونه آماری (مشمول بر چند سازمان دولتي و خصوصي) از میان جامعه آماری فوق انتخاب و پرسشنامه نهايي در میان آنها توزيع شد. با توجه به مغفول ماندن نقش عوامل راهبردي محیطي در اعتماد عمومي به دولت و نهادهاي سياسي، پژوهش حاضر تلاش داشته با تأکید بر نقش مهم اين دست متغيرها الگوي توسعه یافته و جامع را برای عوامل راهبردي مؤثر بر اعتماد عمومي به دولت در کشور ايران طراحی کند و از اين جهت به گسترش و تکميل مرزهاي دانش موجود در اين حوزه کمک مي نمايد.

واژگان کلیدی: اعتماد<sup>۱</sup>، جامعه<sup>۲</sup>، اعتماد سياسي<sup>۳</sup>، عوامل راهبردي محیطي<sup>۴</sup>.

#### مقدمه

اعتماد عمومي در پشتيباني از تدوين و اجرای خطمشی های عمومي و همين طور همراهی و همکاري اثربخش شهروندان نقش محوري ایفا می کند (گوردن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰، ص ۲۹۶). بنابراین پیوند متولیان امور در بخش عمومي از یک سو و شهروندان از سوی دیگر بر میزان موفقیت و پیشرفت امور جامعه می افزاید و بی اعتمادی و جدایی مردم از حکومت می تواند به عنوان آفتی نابود کننده سياست گذاران و مدیران را با شکست و ناکامي روبرو سازد. از دیدگاه مدیریتی علت بی اعتمادی به حکومت ها نوع عملکرد دولت است. از دیدگاه مدیریت دولتي حجم کاری زياد و حوزه فعالیت گسترده دولت یکی از علل بی اعتمادی به آن است زیرا حجم مسئولیت های دولت با توجه به بودجه محدود، آن قدر وسیع است که دولت از توان لازم برای انجام همه آنها برخوردار نیست. همين امر موجب کاهش یا سلب اعتماد شهروندان می شود (دانایی فرد، ۱۳۸۱، صص ۵۷-۴۱). بنابراین مسئله اعتماد به نظام مدیریت دولتي و یا نظم سياسي و حکومتی را می توان از جنبه های مختلف اقتصادی، سياسي، اداری، فرهنگی و ... بررسی نموده. با توجه به اینکه در تحقیقات علمی باید

1. Trust
2. Society
3. Political Trust
4. Strategic environmental factors
5. Gordon



مهم‌ترین عوامل مؤثر بر یک متغیر مورد شناسایی قرار بگیرند، در این مقاله ضمن مروری بر مبانی نظری اعتماد سیاسی تلاش می‌شود که عوامل عمده محیط راهبردی اعم از عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، تکنولوژیک و ... که بر سطح اعتماد مردم به دولت‌ها بیشترین تأثیر را دارند مورد بررسی قرار گیرند. این امر می‌تواند مبنای خوبی را برای تحقیقات پژوهشی در آینده فراهم سازد تا به مطالعه و مقایسه نحوه و میزان تأثیر این عوامل پردازند.

### مفهوم اعتماد

به عقیده وین استوک (۱۹۹۹)، اعتماد هم از لحاظ باطن قضیه و هم از لحاظ ابزاری ارزشمند است. ارزش کارکردی و سودمند اعتماد در جلوگیری از به خطر افتادن روابط اجتماعی ظاهر می‌شود. علاوه بر این، شرط لازم برای جلوگیری از هرج و مرج و فلج شدن جامعه وجود اعتقاد و اعتماد بین افراد است (ساین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴، ص ۶۴۴). نقش اعتماد در کارکرد جامعه از مدت‌ها پیش توسط دانشمندان این حوزه مطالعه شده است که از میان آنها می‌توان به دورکیم اشاره کرد. در تئوری سیاسی و جامعه‌شناسی مدرن، مفهوم اعتماد را به طور معمول در چارچوب رابطه‌ای تعریف می‌کنند (ایستون<sup>۲</sup>، ۱۹۶۵).

این در حالی است که تمرکز جامعه‌شناسان روی روابط بین افراد و سیستم‌ها می‌باشد (لومان<sup>۳</sup>، ۱۹۷۹). اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد مبادلات را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سرعت می‌بخشد. در فضای مبتنی بر اعتماد ابزارهایی چون زور و اجبار به تضمین دادوستدها، کارایی خود را از دست می‌دهند و در عوض قصد افراد برای بازپرداخت‌ها و اعتقاد به درستکاری افزایش می‌یابد. اعتماد، کار بازار را رونق می‌بخشد، تمایل افراد را به تعامل و همکاری با گروه‌ها افزایش می‌دهد و شبکه‌ای پررونق از تجمع‌های داوطلبانه در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند. اعتماد، رضایت را

- 
1. Sabine
  2. Easton
  3. Luhmann



جانشین اجبار می‌کند و این یکی از اهداف مهمی است که نخبگان و اداره کنندگان جامعه در صدد دستیابی به آن هستند (گلابی، ۱۳۸۳). به طور کلی اعتماد به عنوان بخشی از واکنش فرد در قبال دیگران و به عنوان بخشی از برهم کنش بین کارگزاران اجتماعی می‌باشد. اعتماد یک احتمال عقلانی است که بر اساس آن یک کنش‌گر در رابطه با دیگر گروه‌ها و کارگزاران رفتار آنها را قبل از وقوع آن پیش‌بینی و فعالیت خود را براساس آن طراحی می‌کنند (لارسن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷، ص ۲۲۲).

#### جدول ۱. تعاریف متفاوت از مفهوم اعتماد

تعریف از اعتماد	نویسنده و سال
اطمینان یا اتکا به برخی از ویژگی‌ها یا خصایص یک شخص یا سازمان، پذیرفتن یا اعتبار دادن به شخص یا سازمان بدون بررسی و دریافت شواهد و قرائن، باور، اعتقاد یا اتکا به صداقت یک فرد یا سازمان، داشتن انتظارات مطمئن نسبت به فرد یا سازمان و همچنین صداقت، درستی و وفاداری.	فرهنگ انگلیسی آکسفورد
صلاح‌دیدگی از جانب فرد یا گروهی که می‌توان به واسطه آن بر کلام، وعده، اظهار شفاهی یا کتبی فرد یا گروه دیگری تکیه کرد.	Rootter (1997)
انتظار یا باورهایی که افراد دوست دارند به دیگران به طریقی قابل پیش‌بینی و نه صرفاً در راستای منفعت شخصی خود نشان دهند.	Luhman (1979)
اعتماد یک انتظار مثبت است، در رابطه با اینکه طرف مقابل در گفتار، کردار و تصمیم خود به گونه‌ای فرصت طلبانه رفتار نکند.	Gordon (2000)
اعتماد یعنی حالت روان‌شناسی که افراد را قادر می‌سازد تا آسیب‌پذیری و رفاه خود را در دستان دیگر بخش‌ها قرار داده و انتظار رفتارهای مثبت از این بخش‌ها را داشته باشند.	Burg (2005)
اعتماد سطحی از اطمینان است که یک فرد در رابطه با دیگری از آن برخوردار است و بر اساس آن رفتاری منصفانه، اخلاقی و قابل پیش‌بینی ارائه می‌کند. اعتماد دارای یک ساختار چند بعدی است که شامل اعتماد بین فردی، بین دو نفر، گروهی، سازمانی، بین سازمانی، اعتماد سیاسی، اجتماعی، اعتماد به همکار در محل کار، اعتماد بین ارشد و زیردست در محل کار و ... می‌باشد.	Nyhan and Marlowe, (1997) Nyhan, (2000)

1. Larson



## فضای مفهومی اعتماد سیاسی<sup>۱</sup>

اعتماد سیاسی از نظر سیتین<sup>۲</sup> به احساس مردم در مورد متصدیان سیاسی و سیاست‌های آنان باز می‌گردد. لیپست و اشنایدر<sup>۳</sup> هم در کالبد شکافی اعتماد، اطمینان سیاسی را به رهبران سیاسی و رهبران نهادهای اصلی محدود دانسته‌اند. اعتماد سیاسی از نظر ایستون مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت درباره موضوع یا سوژه‌های سیاسی است (حیدری، ۱۳۸۷). او یکی از اندیشمندانی است که می‌گوید اعتماد سیاسی هم به سمت رژیم سیاسی جهت می‌یابد و هم به سمت دارندگان و متصدیان اقتدار در جامعه.

نوریس<sup>۴</sup> هم در تعریف اعتماد سیاسی به پنج شاخص پرداخته که عبارت است از:

- حمایت از اجتماع سیاسی مثل ملت، کشور (حمایت از کشور در زمان جنگ)؛
- حمایت از قانون اساسی کشور؛

- حمایت از امور اجرایی رژیم مثل دموکراسی و امثال آن؛

- حمایت از نهادهای رژیم مثل حکومت، پارلمان، قوه قضاییه، پلیس، بوروکراسی،

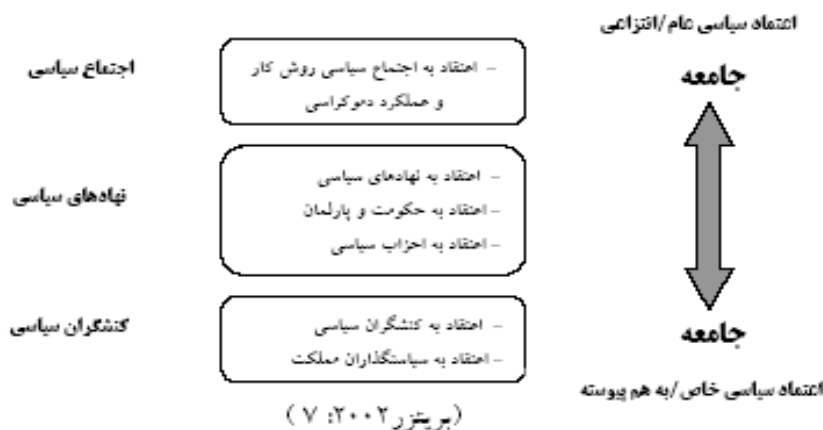
احزاب سیاسی و حمایت از کنش‌گران سیاسی و رؤسای سیاسی و اجرایی.

از نظر ابعاد اعتماد سیاسی، با توجه به نظریه بریتزر، ابعاد اعتماد سیاسی را می‌توان در

طیفی وسیع بین اعتماد سیاسی عام/انتزاعی تا اعتماد سیاسی خاص/به هم پیوسته در نظر

گرفت که شامل سه بعد اعتماد سیاسی است. این سه بعد به صورت زیر هستند:

1. Political Trust
2. Citirn
3. Lipset & Schneider
4. Norris



نگاره ۱. ابعاد اعتماد سیاسی (شایگان، ۱۳۸۶، ص ۲۲)

به نقل از بریتزر، ۲۰۰۲

### تعریف اعتماد سیاسی

تعاریف متفاوتی از مفهوم اعتماد سیاسی ارائه شده است که می توان مفهوم اعتماد سیاسی را از میان آنها استخراج کرد. وارن در تعریف خود بر تمایل مردم برای پیروی از رهبران سیاسی در یک جامعه تأکید نموده است. فوکویاما نیز به درک مشترک جامعه اخلاقی، اجتماعی و سیاسی با توافق بر روی ارزش های اجتماعی که باید تعقیب شود اشاره نموده (فوکویاما<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵، ص ۱). اما تعریف هترینگتون از اعتماد سیاسی می گوید اعتماد سیاسی عبارت است از: درجه ای از انتظارات شهروندان از توانایی و موفقیت حاکمان که متناسب با انتظارات آنها باشد. در این تعریف عنصر مهم و کلیدی در تلقی و ادراک شهروندان از کارآمدی دولت نهفته است و نه واقعیت مربوط به موفقیت ها و موقعیت های دولت (هترینگتون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸، صص ۸۰۸-۷۹۱). به واسطه همین تعریف است که اعتماد سیاسی ارتباط عمیقی با فرهنگ سیاسی توده ها دارد که در آن به نحوه نگرش، احساسات و

1. Fukuyama  
2. Hetherington



ارزیابی مردم درباره نظام سیاسی و نهادهای ذی‌ربط توجه می‌شود. با عنایت به این مطلب در اینجا تلاش می‌شود تا دو تعریف متفاوت از مفهوم فوق ارائه گردد:

۱- اعتماد سیاسی را می‌توان به این صورت تعریف کرد: احتمال اینکه یک نظام سیاسی یا بخشی از آن پیامدها یا نتایج مورد نظر مردم را در آینده تولید خواهد کرد. به عبارت دیگر اعتماد سیاسی یعنی احتمال کسب نتایج مطلوب بدون این که یک گروه از مردم برای وقوع آن کاری صورت بدهند (احتمال انجام امور مطلوب مردم توسط دولت بدون اینکه نیازی به دخالت مستقیم آنها باشد) (گامسون<sup>۱</sup>، ۱۹۶۸، ص ۵۴).

۲- اعتماد باور ما درباره عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. یعنی احتمال اینکه دیگران کارهای خاصی را انجام دهند و یا از انجام کارهای خاصی امتناع کنند. اعتماد عبارت از این اعتقاد است که دیگران از طریق انجام یا عدم انجام برخی اعمال موجب خشنودی ما می‌شوند و یا از وارد آمدن زیان به ما اجتناب می‌نمایند (آف<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹، ص ۴۷). با توجه به تعاریف بالا می‌توان گفت که اعتماد یک نوع باور یا اعتقاد است. این باور در مورد اعمال یا اقدامات آینده دیگران است و بالاخره اینکه اعتماد همراه با خطر کردن است چرا که به هنگام شکل‌گیری آن، قطعیتی پیرامون نتایج و پیامدهای حاصل از آن وجود ندارد. این به معنای آن است که فرد می‌تواند به یک نهاد عمومی اعتماد کند تا آن چه را که انتظارش را دارد برای او انجام دهد یا طبق مؤلفه‌های مورد انتظار وی رفتار نماید. اساساً اعتماد بر بستر درجه‌ای از ریسک و عدم اطمینان شکل می‌گیرد یا به عبارت بهتر بحث اعتماد در موقعیت‌هایی ضرورت می‌یابد که اطلاعات موجود کامل نیست. پس اعتماد باوری درباره آن چیزی است که دیگران خواهند داد و یا انجام نخواهند داد. این باور می‌تواند در علل یا مفروضات متفاوتی ریشه داشته باشد (لوی و استوکر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰، صص ۵۰۷-۴۷۵). از آنجایی که اعتماد نوعی باور در مورد اقدام‌های آینده و پیامدهای آنها است ویژگی دوم هرگونه رابطه مبتنی بر اعتماد این است که این رابطه همواره با مخاطره همراه است. هنگامی که به دیگران اعتماد می‌کنیم از پیامدهای آن مطمئن نیستیم.

1. Gamson
2. Offe
3. Levi and Stoker



شخصی که اعتماد می‌کند از این مخاطرات آگاه است و خود را در برابر دیگران آسیب پذیر می‌نماید. البته اعتماد کنندگان بالقوه تا حدود زیادی مطمئن هستند که گروه‌های مورد اعتماد به آنها خیانت نخواهند کرد (لوی و استوکر، ۲۰۰۰، صص ۴۷۵-۵۰۷).

### سنجش اعتماد سیاسی

حمایت از نهادهای سیاسی - اداری یا بوروکراسی‌های واقع در یک رژیم سیاسی مبتنی بر اعتماد عمومی مردم به نهادهایی است که بر یک کشور حکومت می‌کنند. در راستای بحث ایستون که می‌گوید اعتماد شکلی از حمایت از رژیم‌های سیاسی است، پژوهشگران مختلف مجموعه‌ای از سؤال‌ها را پدید آورده‌اند که برای سنجش و ارزیابی اعتماد در یک رژیم سیاسی طراحی شده است (لوی و استوکر، ۲۰۰۰، صص ۴۷۵-۵۰۷). اگرچه نتایج حاصل از شاخص اعتماد به حکومت بحث گسترده و روشنی را در این مورد ایجاد کرده که آیا این شاخص میزان حمایت از رژیم سیاسی را می‌سنجد یا میزان حمایت از مسئولان و متصدیان امور و کارگزاران و مدیران بخش عمومی را؟! از ظاهر قضیه پیدا است که شاخص مزبور در واقع میزان حمایت از مسئولان و کارگزاران یا همان دارندگان قدرت و اختیارات عمومی را ارزیابی می‌نماید و ضروری است که شاخص دیگری نیز برای سنجش اعتماد به نهادها و مؤسسات رژیم مربوط ساخته شود. در این باره می‌توان مباحثه بین میلر و سیتزین<sup>۱</sup> را در ارتباط با معنا و مفهوم این شاخص مدنظر قرار داد. میلر بر این باور است که کاهش سطوح اعتماد به حکومت‌ها نمایانگر یک نوع نارضایتی فراگیر و مستمر از حکومت است. این امر می‌تواند افزایش پتانسیل بالقوه را برای وقوع تغییر و تحولات بنیادین به دنبال داشته باشد (میلر<sup>۲</sup>، ۱۹۷۴، ص ۹۵۱).

سیتزین در واکنش مستقیم به این بحث استدلال می‌کند که کاهش در سطوح اعتماد چیزی بیش از ناخشنودی عمومی مردم از دولت‌ها یا حکومت‌های کنونی و نارضایتی آنان از اعمال سیاستمداران و مدیران فعلی را بیان نمی‌کند. در همین حال برخی دیگر معتقدند

1. Miller , 1974; Citrin , 1974

2. Miller





این استدلال حکایت از نگرش‌های کوتاه مدتی دارد که لزوماً نمی‌توان آنها را با بحران مشروعیت یا پتانسیل تغییرات بنیادین، مرتبط دانست. به هر حال پژوهشگران برای کمک به تفسیر این دست سؤال‌ها، مجموعه‌ای از معیارها را توسعه دادند.

طبق گفته استوکس<sup>۱</sup> ملاک قضاوت نهفته در این سؤال‌ها تا حدودی اخلاقی بود یعنی امانتداری و سایر کیفیات اخلاقی کارگزاران بخش عمومی بخشی از آن چیزی است که معمولاً از نمونه‌های مورد آزمایش خواسته می‌شود تا در مورد آن به قضاوت پردازند. اما این معیار به دیگر کیفیت‌ها از جمله میزان توانایی و کارایی کارگزاران دولتی و صحت تصمیم و خط‌مشی‌های آنان نیز تعمیم داده شد (استوکس، ۱۹۶۲، ص ۶۴). بسیاری از اساتید دیگر نیز در ارتباط با معنا و مفهوم این شاخص اظهار نظر کرده‌اند. حتی ایستون که اعتماد را نوعی حمایت پراکنده می‌داند بر این باور است که این شاخص می‌تواند افزون بر حمایت پراکنده با حمایت خاص نیز مرتبط باشد (ایستون، ۱۹۷۵، صص ۴۵۷-۴۳۵).

### مقیاس اعتماد سیاسی

مجموعه پرسش‌های سنتی مورد استفاده برای ارزیابی و سنجش اعتماد یا حمایت از نهادهای رژیم در واقع به حمایت از کارگزاران و اولیای امور بیشتر توجه کرده است. چنین معیارهایی از پاسخ دهندگان مستقیماً می‌خواهند تا مدیران و متصدیان امر را بر حسب عملکردشان ارزشیابی نمایند. بنابراین آنچه را که ما نیاز داریم ایجاد معیاری برای اعتماد سیاسی یا اعتماد به نهادهای سیاسی است که در واقع اعتماد معطوف به نهادهای رژیم سیاسی را اندازه‌گیری می‌کند. این در حالی است که گروه دیگری از اندیشمندان نظیر بریتزر<sup>۲</sup>، برای سنجش اعتماد سیاسی مجموعه‌ای از اعتماد به سیستم، نهادها و کنشگران را لحاظ می‌کنند. در نتیجه یک معیار روا و پایا باید موارد زیر را دارا باشد: اول نیازمند آن است که موضوع اعتماد را به طور شفاف مشخص کند؛ به عبارت دیگر لازم است که مؤسسات یا نهادهای مشمول این شاخص به روشنی نام برده شوند. دوم آن که معیار اعتماد

1. Stokes  
2. Bretzer



سیاسی باید از سایر معیارهای حمایت از موضوع یا سوژه‌های واقع در یک نظام سیاسی به راحتی قابل تمیز باشد. به این ترتیب از مشکلات مربوط به شاخص میزان اعتماد به حکومت کاسته می‌شود. ضمن آنکه یکی از الزاماتی که پیشتر ذکر شده بود نیز برآورده می‌شود یعنی موضوع یا سوژه سیاسی که اعتماد معطوف به آن است به صورت کاملاً آشکار مشخص می‌گردد (میشلر و رز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱، صص ۶۲-۳۰). برای نمونه میزان اعتماد به نهادهای سیاسی در یک کشور را می‌توان به کمک مجموعه پرسش‌هایی مانند سؤال‌های زیر که در اکثر پیمایش‌های معتبر صورت گرفته در سطح جهان به عنوان ارزش مطرح شده‌اند، ارزیابی نمود:

«تعدادی سازمان را نام برده‌ایم. در مورد هر یک از آنها درجه اطمینان خود را بیان کنید یا بگویید که نسبت به هر کدام تا چه اندازه اطمینان دارید: خیلی زیاد، نسبتاً زیاد، نه چندان زیاد، اصلاً. مؤسسات و نهادهایی شامل کلیساها و نهادهای دینی، نیروهای نظامی، انتظامی مانند ارتش و پلیس، سیستم‌های حقوقی، مطبوعات و انتشارات، رادیو و تلویزیون، پلیس، اتحادیه‌های کاری، دولت ملی، احزاب سیاسی، مجلس، خدمات کشوری و شرکت‌های بزرگ دولتی را می‌توان در این زمره بیان نمود.»

### چه چیزی اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند؟ «چند عامل مهم»

چه چیز موجب می‌شود که افراد به نهادهای سیاسی اعتماد کنند؟ منابع ایجاد چنین باورهایی کدامند؟ اولین و شاید متعادل‌ترین پاسخ به این پرسش که چرا افراد اعتماد می‌کنند این است که «چون دیگران اعتماد می‌کنند». این مطلب مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی است (نیوتن و نوریس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰، ص ۵۹). از چنین رویکردی مسائل گوناگونی نشأت می‌گیرند: اول این که اگر اعتماد یک ویژگی شخصیتی است باید انتظار داشته باشیم که رابطه بسیار دقیقی را در سطح فردی بین سطوح اعتماد معطوف به موضوع‌های متفاوت در زمینه‌های اجتماعی شاهد باشیم. اگرچه نگاه سریعی به اطلاعات بیان‌گر آن است که

1. Mishler and Rose  
2. Newton and Norris



این مسئله عمومیت ندارد؛ دوم آن که اگر این موضوع درست باشد تشریح نوسانات در طی زمان دشوار خواهد بود (نیوتن و نوریس، ۲۰۰۷، ص ۱). اما همان گونه که در ادامه بحث می‌شود ظاهراً تبیین‌کننده‌های دیگری به جزء عنصر شخصیت نیز برای توضیح علت اعتماد یا عدم اعتماد مردم به نهادهای سیاسی وجود دارند. در این زمینه چند پیشینه نظری متفاوت موجود است که میزان اعتماد عمومی به نهادهای سیاسی را توضیح می‌دهند و تبیین می‌نمایند.

#### ۱) تبیین‌کننده‌های فرهنگی - اجتماعی برای اعتماد سیاسی

در این رویکرد فرض اصلی این است که افراد تحت تأثیر هنجارهای غالب جامعه پذیری در جوامع خود و یا به واسطه حضور یا عدم حضور برخی ارزش‌های خاص فرهنگی به دولت یا افراد دیگر در جامعه اعتماد می‌کنند. یعنی درجه این اعتماد یا عدم اعتماد متأثر از عوامل و ارزش‌های مذکور است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که برخی از فرهنگ‌های خاص در مقایسه با دیگر فرهنگ‌ها زمینه‌های مناسب‌تری را برای روابط مبتنی بر اعتماد در سطح خرد و کلان فراهم کنند. برای نمونه در اینجا بر دو فرضیه عمده تمرکز خواهیم کرد:

- ۱) بین سرمایه اجتماعی - اعتماد بین فردی و مشارکت در سازمان‌های اجتماعی - از یک سو و اعتماد سیاسی از سوی دیگر رابطه وجود دارد؛
- ۲) ظهور ارزش‌های فرامادی<sup>۱</sup> باعث کاهش سطح اعتماد به نهادهای سیاسی می‌شود. به عقیده آلموند و وربا<sup>۲</sup> فرهنگ سیاسی ملت‌ها به نوعی متأثر از فرهنگ اجتماعی و مدنی آنها است. آنها فرهنگ سیاسی را به صورت زیر تعریف می‌کنند: «نظام سیاسی که در قالب شناخت‌ها، احساسات و ارزیابی‌های یک جمعیت انسانی، درونی گشته است» (آلموند و وربا<sup>۳</sup>، ۱۹۶۳، ص ۱۳).

---

1. Post materialist  
2. Almond and Verba, 1963  
3. Almond and Verba



به طور خاص باید گفت که «آلموند و وربا وجود رابطه‌ای آشکار بین میزان اعتماد اجتماعی و اعتماد سیاسی را متذکر شده‌اند و حدس می‌زنند که وجود اعتماد عمومی یک لایه بیرونی مهم از عنصر مشروعیت رژیم سیاسی است». احتمالاً رابطه میان اعتماد بین فردی و اعتماد سیاسی نیز یکی از بحث‌انگیزترین مسائل است که موافقان و مخالفانی دارد. از نظر برخی محققان اعتماد بین فردی و اعتماد سیاسی منطبق بر نوع مشابهی از باورها هستند و در عین حال معطوف به موضوع یا سوژه‌های متفاوتی می‌باشند. در این راستا برخی عقیده دارند آنهایی که به دیگران اعتماد می‌کنند تمایل خواهند داشت که به نهادهای عمومی نیز اعتماد نمایند! همین مطلب را در خصوص تأثیر مشارکت مدنی بر اعتماد سیاسی می‌توان ملاحظه کرد زیرا عضویت در سازمان‌ها به عنوان نخستین گام برای اعتماد به دیگران پیشنهاد شده است. دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد مشارکت مدنی می‌تواند به اعتماد سیاسی مربوط شود. طبق نظر برم و ران یک نوع رابطه منفی بین عضویت در انجمن‌ها و اعتماد به نهادهای ملی باید وجود داشته باشد (برم و ران، ۱۹۹۷، ص ۱۰۰۴). این به آن علت است که معمولاً سازمان‌های مذکور فضایی مدنی را شکل می‌دهند که نسبت به جو سیاسی حاکم بر جامعه دارای تفاوت و تضاد است! پژوهش‌های کنونی شواهدی را در تأیید هر دو گروه نشان می‌دهند (هال، ۲، ۲۰۰۲، ص ۵۲). انتظار می‌رود که ارزش‌ها هم بر میزان اعتماد به مؤسسات سیاسی اثرگذار باشند. همان‌گونه که گابریل می‌گوید با توجه به این که ارزش‌ها به عنوان معیارهایی برای ارزیابی موضوع یا موقعیت‌های سیاسی به شمار می‌روند می‌توان حدس زد که بین جهت‌گیری‌های ارزشی و احساس اعتماد باید ارتباط قوی وجود داشته باشد. از این منظر احساس عدم اعتماد هنگامی بروز پیدا می‌کند که میان انتظاراتی همچاری مردم و نحوه رفتار کارگزاران امور عمومی تفاوت معناداری پدید آید (گابریل، ۳، ۱۹۹۵، ص ۳۶۷). اما براساس نظر اینگلهارت، جوامع معاصر همراه با تغییر در رشد اقتصادی و اوضاع اجتماعی فرامردن یک تغییر جهت مهم در اولویت‌ها و ترجیحات ارزشی شهروندان را مشاهده می‌کنند. این تغییر شامل تغییر جهت از

1. Brehm & Rahn, 1997
2. Hall
3. Gabriel, 1995



ارزش‌های مادی گرایانه - آنهایی که به ایمنی، امنیت و ادامه حیات تأکید می‌کنند - به سمت ارزش‌های فرامادی است؛ یعنی همان ارزش‌هایی که بر کیفیت زندگی بشر و خودشکوفایی او تأکید دارند. اینگلهارت بر این باور است که ظهور و توسعه یک عامه فرامادی گرا با کاهش سطح اطمینان به نهادهای عمومی جامعه همراه است زیرا تردید و انکار فزاینده‌ای در مورد اشکال و ساختارهای قدرت و اختیار در این جوامع وجود دارد. این تغییر جهت کاهش تأکید بر عنصر اقتدارگرایی و کاهش اطمینان به نهادهای سلسله مراتبی را در پی دارد (اینگلهارت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷، ص ۷۹). همچنین طبق نظر دالتون شواهد روشنی از رابطه میان ارزش‌های فرامادی و فقدان اطمینان به نهادهای سیاسی در اغلب این ملت‌ها دیده شده است (دالتون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰، ص ۲۵۹).

#### ۲) عوامل سیاسی مؤثر بر اعتماد عمومی به دولت

گستره وسیعی از علل سیاسی اعتماد یا عدم اعتماد به دولت شناسایی شده است. کینگ کاهش در شاخص‌های اعتماد به دولت را به طرفداری از احزاب سیاسی و یا تکرر آنها ربط می‌دهد (کینگ<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷، صص ۱۷۸-۱۵۵). از این دیدگاه جدال میان طرفداران احزاب و یا وقوع منازعات شدید سیاسی نگاه منفی عامه را نسبت به دولت در پی خواهد داشت. به علاوه نوستات اظهار می‌دارد که اعتماد عمومی به دولت به واسطه اتخاذ سیاست‌های نامناسبی که سوء ظن و بدگمانی را به دنبال دارند، آسیب می‌بیند (نوستات<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷، صص ۲۰۱-۱۷۹).

کینگ همچنین به امکان کاهش میزان اعتماد عمومی به دولت در سطحی وسیع و در نتیجه گرایش به محافظه کاری اشاره می‌کند. قطع نظر از این بحث به نظر می‌رسد که بین ایدئولوژی سیاسی و پیوند با احزاب سیاسی از یک سو و اعتماد به دولت از سوی دیگر رابطه‌ای قوی وجود داشته باشد. به ویژه افرادی که در چارچوب یک حزب سیاسی خاص تصدی امور عمومی را بر عهده دارند و یا خود را به آن حزب وابسته می‌دانند به طور کلی

1. Ingle hart
2. Dalton
3. King, 1997
4. Neustadt, 1997



گرایش بیشتری برای اعتماد به دولت دارند. این در حالی است که اشخاص دیگری که با احزاب سیاسی مخالف دولت بیشتر پیوند دارند اعتماد کمتری را به دولت حاکم ابراز می‌نمایند. دیگر علل سیاسی مرتبط با کاهش اعتماد عمومی عبارت است از: نگرش کلی مردم نسبت به سیاست‌مداران؛ وقوع رسوایی‌های سیاسی؛ ادراک عمومی از میزان و نحوه تأثیر گروه‌های ذی‌نفع خاص و تغییر در نگرش عمومی درباره قابلیت‌های سیاسی موجود یا بدبینی نسبت به آن و ...

در نهایت نوریس استدلال می‌کند که میزان پشتیبانی عمومی در درون دموکراسی‌ها در میان آن دسته از دموکراسی‌هایی بیشتر است که حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی آنها وسیع‌تر است. به بیان ساده او چنین وانمود می‌کند که در کشورهایی با دموکراسی‌های بهتر سطح اعتماد سیاسی نیز بالاتر است. البته این گفته به واسطه نتایجی که وی گزارش می‌کند تقویت می‌گردد: کشورهایی که کیفیت دموکراسی (آزادی، مشارکت، قانونمندی و ...) و وضعیت نظام سیاسی - اداری آنها بهتر است سطح بالاتری از حمایت سیاسی را دارا هستند.

### ۳) اعتماد سیاسی و وضعیت اقتصادی

سومین عامل عمده تبیین‌کننده اعتماد سیاسی، آن را حاصل عملکرد اقتصادی حکومت‌ها می‌داند. بر خلاف آنچه که در خصوص نظریه‌های نهادی اعتماد مشاهده کردیم، تاریخچه پژوهش پیرامون اثر عوامل اقتصادی بر ابعاد متفاوت دیدگاه عامه (و به طور خاص حمایت عمومی از دولت) بسیار وسیع است و در اینجا خلاصه‌ای از آن مطرح می‌گردد. در این راستا می‌توانیم بین تبیین سنتی تأثیر شاخص‌های عملکرد اقتصادی در سطح کلان و نیز تأثیر نحوه ادراک مردم در مورد چگونگی وضعیت یا کارکرد اقتصاد در سطح فردی تمایز قائل شویم!

در هر دو نوع برداشت فوق از مقوله اقتصاد و نحوه تبیین اثرگذاری آن بحث اصلی این است که شهروندان تا زمانی که به نهادهای حکومتی و سازمان‌های دولتی اعتماد می‌کنند که نظام اقتصادی در حالت کلی از وضعیت مساعدی برخوردار باشد. نکته بسیار مهمی که در اینجا باید به آن توجه داشت این است که اگرچه کاهش در سطح عملکرد را نمی‌توان لزوماً به فعالیت‌های نامناسب حکومت نسبت داد اما روابط مشاهده شده بین نحوه جهت



گیری حکومت و معیارهای عملکرد اقتصادی بیان گر آن است که حکومت‌ها عموماً از طریق رأی‌دهندگان، در قبال وضعیت اقتصادی کشورشان پاسخگو نگه داشته می‌شوند (آلسینا و واکیاریگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰، ص ۱۷۰). ادبیات این حوزه با بحث رأی‌گیری اقتصادی آغاز شده است. سؤال اصلی این بود که آیا شهروندان در جریان انتخابات براساس ارزشیابی اوضاع و احوال اقتصادی و تأثیر آن بر درآمدهای خودشان رأی داده‌اند یا خیر؟! برای نمونه پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص رأی‌گیری‌های گذشته نشانگر آن بوده است که وضعیت اقتصاد ملی (مواردی نظیر رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و درصد تورم) پیش‌بینی‌کننده‌هایی نیرومند برای نتایج انتخابات ذی‌ربط به شمار می‌روند:

در واقع هنگامی که اقتصاد در مجموع خوب عمل می‌کند احتمال پیروزی احزاب حاکم در انتخابات بیشتر است (کلارک و دیگران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳، صص ۱۰۲۱-۹۹۸؛ کوزاک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹، صص ۶۷۲-۶۴۱). هنگام مرور تحقیقات انجام شده درباره نقش اوضاع و احوال اقتصادی (در سطح ملی) بر سطح متوسط اعتماد سیاسی نیز همین نتیجه به دست می‌آید. برای مثال هولمبرگ<sup>۴</sup> نشان می‌دهد که چگونگی اوضاع اقتصاد ملی در تبیین روند اعتماد به حکومت در سوئد مهم است. لیستاگ و ویبرگ<sup>۵</sup> نیز عقیده دارند که سطح اطمینان به دولت با میزان بیکاری در اروپای غربی رابطه منفی یا معکوس دارد (نیوتن، ۲۰۰۷، صص ۸۶۴-۸۴۶).

از سوی دیگر مک آلیستر بیان می‌کند که تولید ناخالص داخلی<sup>۶</sup> با میزان اطمینان به نهادهای عمومی و دولتی رابطه منفی دارد و استدلال وی نیز این است که رأی‌دهندگان حاضر در دموکراسی‌های پایدار و قدیمی در مقایسه با افراد حاضر در دموکراسی‌های جدید و نوپا از نظام‌های سیاسی-اداری خود انتظار بالاتری دارند (مک آلیستر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹، ص ۲۰۱)! بنابراین رویکرد مذکور یک ضعف عمده را به همراه دارد: این رویکرد تبیین

1. Alesina & Wacziarg
2. Clarke, et al
3. Cusack, 1999
4. Holmberg, 1997
5. Listhaug & Wiberg, 1995
6. GDP
7. Mc Alister



نوسانات اعتماد سیاسی در سطح فردی را امکان پذیر نمی‌سازد. به همین علت معمولاً نتایج حاصل ضعیف‌تر از زمانی هستند که داده‌های جمعی را در مورد اعتماد مقایسه می‌کنیم. در نتیجه از آن عمدتاً در ارزیابی‌های بین کشورها استفاده گردیده است. با در نظر گرفتن این محدودیت، پژوهشگران تأثیر ادراک افراد از وضعیت اقتصاد را بررسی کرده‌اند. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که دست کم در دموکراسی‌های در حال توسعه و در میان آن دسته از پاسخ دهندگانی که اوضاع اقتصادی جامعه یا خودشان را خوب ارزیابی می‌کنند سطوح اعتماد بالاتر است. کاتبرگ و مورنو<sup>۱</sup> نیز در مقایسه تحلیلی دموکراسی‌های نوظهور و قدیمی‌تر دریافته‌اند که میزان رضایت مالی افراد به طور مثبت و تا حد زیادی با سطح اعتماد آنها ارتباط دارد (اسپینال و دیگران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶، صص ۲۲۳-۲۰۰).

#### ۴) نقش عوامل تکنولوژیک (فنی-رسانه‌ای) در اعتماد سیاسی

به طور کلی می‌توان گفت که رسانه‌های خبری و انقلاب اطلاعات در عرصه جهانی مؤلفه‌های تأثیرگذار دیگری هستند که احتمالاً در کاهش سطح اعتماد عمومی به دولت‌ها در چند دهه گذشته نقش مهمی را ایفا نموده‌اند. از سوی دیگر کاهش مستمر و معنی دار اعتماد سیاسی در کشورهای مختلف را به رشد روزافزون رسانه‌های صوتی و تصویری همچون تلویزیون‌های مختلف ماهواره‌ای و به ویژه پدیده گسترده و پرنفوذ اینترنت می‌توان نسبت داد. امروزه مردم اطلاعات زیاد و گاهی بیش از اندازه را برای ارزیابی دولت یا قضاوت در مورد آن در اختیار دارند. به عقیده اورن عوامل غیر دولتی نظیر رسانه‌های شنیداری، نوشتاری و دیداری در کاهش یا افزایش اعتماد عمومی به دولت نقش مهمی را بر عهده دارند. همچنین گفته می‌شود که نحوه پوشش مطبوعات در مورد عملکرد دولت و امور سیاسی در کشورها بیش از پیش حالت منفی گرایانه و مبتنی بر تعارض به خود گرفته است. تلویزیون‌ها نیز با پخش تصاویر و برنامه‌های متعدد این گرایش را تشدید می‌کنند. بنابراین نقش در حال تکامل رسانه‌ها با کاهش میزان اعتماد به دولت و دیگر نهادها مقارن گردیده است.

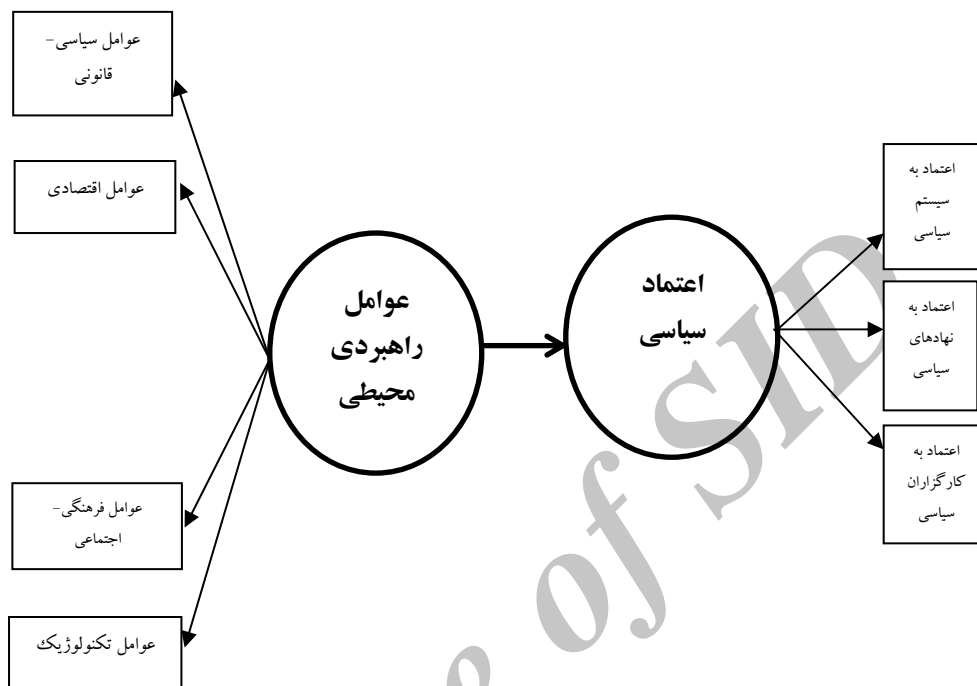
1. Catterberg & Moreno, 2005

2. Espinal, et al





## مدل مفهومی یا چارچوب نظری پژوهش



نگاره ۲. مدل مفهومی پژوهش

### فرضیه‌های پژوهش

#### فرضیه‌های اصلی

عوامل استراتژیک محیطی (PEST) بر میزان اعتماد سیاسی مؤثرند.

#### فرضیه‌های فرعی

- عوامل سیاسی-قانونی بر سطح اعتماد سیاسی مؤثرند؛
- عوامل اقتصادی بر سطح اعتماد سیاسی مؤثرند؛
- عوامل فرهنگی-اجتماعی بر سطح اعتماد سیاسی مؤثرند؛
- عوامل تکنولوژیک بر سطح اعتماد سیاسی مؤثرند.



## قلمرو پژوهش

قلمرو پژوهش در هر کار تحقیقاتی شامل سه حوزه اصلی می‌باشد که عبارت است از:

### الف) قلمرو موضوعی

این تحقیق در حوزه مباحث مربوط به اعتماد عمومی به دولت و عوامل استراتژیک محیطی (راهبردی) و ارتباط میان آنها انجام شده است.

### ب) قلمرو مکانی

مکان انجام تحقیق محدود به سازمان‌های دولتی و خصوصی در شهر تهران بوده است.

### ج) قلمرو زمانی

پژوهش حاضر محدود به زمانی شش ساله اخیر را مد نظر داشت. به عبارت دیگر بازه زمانی مدنظر پژوهشگر برای سنجش ادراک (نگرش) افراد ناظر بر شش سال اخیر است که دولت فعلی (حاکم) در آن فعالیت داشته و از لحاظ قدرت سیاسی و اجرایی نوعی استمرار حاکمیت را شاهد بوده‌ایم (زمان اجرای مراحل عملی تحقیق نیز در حدود زمانی ۸۹-۸۸ می‌باشد).

## روش و نوع تحقیق

روش تحقیق از نوع توصیفی می‌باشد زیرا در پی آن است که تصویری مبتنی بر واقعیت را از چگونگی وضعیت موجود ارائه می‌دهد و هر آنچه را که مشاهده می‌شود بی‌کم و کاست توصیف می‌نماید. با عنایت به این که جامعه می‌تواند از نتایج این تحقیق در جهت بهبود نقاط ضعف احتمالی و تقویت نقاط قوت بهره‌برداری نماید، بنابراین این تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی به حساب می‌آید. همچنین الگویی توسعه یافته برای عوامل مؤثر بر اعتماد عمومی به دولت در کشور ایران طراحی و از این جهت به گسترش مرزهای دانش موجود در این حوزه کمک می‌شود. پس این پژوهش به لحاظ ماهیت و هدف از نوع توسعه‌ای- کاربردی (الگوسازی) و از نظر روش پیمایشی است.



### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش به شرح جدول زیر می‌باشد که نمونه آماری از میان جامعه آماری مذکور انتخاب و پرسشنامه نهایی (حاصل از بررسی مبانی نظری و ادبیات تحقیق، تحقیقات صورت گرفته توسط سایر پژوهشگران و نیز اصلاحات صورت گرفته در پنل دلفی) در میان آنها توزیع شد. لازم به توضیح است که در تحقیق حاضر به دلیل بزرگی بودن حجم جامعه آماری و نیز مشکلات پیش روی پژوهشگر نظیر عدم تمایل بسیاری از شهروندان و سازمان‌ها برای پاسخگویی به پرسشنامه‌های تحقیق ترجیح داده شد تا از خوشه‌های قابل دسترسی استفاده شود. به این ترتیب که پژوهشگر در طول تحقیق با تهیه فهرستی از سازمان‌های حاضر به همکاری (در دو بخش دولتی و خصوصی) در ساعت‌های متفاوت کاری و به صورت اتفاقی به هر یک از محل‌های مربوط مراجعه و نسبت به توزیع تصادفی پرسشنامه در میان افراد و سپس گردآوری آن اقدام نموده است. ضمناً با استفاده از جدول مورگان اندازه نمونه آماری برای یک حجم نسبتاً بزرگ از جامعه آماری حدود ۳۸۴ نفر به دست می‌آید که با حجم نمونه به دست آمده از طریق فرمول‌های آماری هنگامی که حجم جامعه آماری نامحدود باشد، مطابقت دارد. به این ترتیب بنای پژوهشگر بر آن بوده است که تعداد پرسشنامه‌های مورد استناد در این پژوهش حداقل مذکور را پوشش دهد. در نهایت کار توزیع پرسشنامه‌ها توسط پژوهشگر تا جایی ادامه یافت که ۴۰۵ پرسشنامه کامل و قابل استفاده از میان پرسشنامه‌های بازگشت داده شده از طرف نمونه‌ها جمع‌آوری گردید و کار تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها پژوهش با استفاده از آنها صورت گرفت که شرح موارد به صورت زیر است:



جدول ۲. وضعیت نمونه‌ها

نمونه	فراوانی	درصد فراوانی
وزارت رفاه و تأمین اجتماعی	۶۵	۱۶
شرکت‌های مسافرتی و حمل و نقل	۲۹	۷/۲
دانشجویان	۱۲۵	۳۰/۹
کارکنان آموزش و پرورش	۵۹	۱۴/۶
شرکت داروسازی شفا	۱۵	۳/۷
ستاد گروه بهمن	۱۳	۳/۲
شرکت بیمه ملت	۳۰	۷/۴
مراجعات مردمی به سازمان‌ها	۶۹	۱۷
جمع	۴۰۵	۱۰۰

#### ابزارهای گردآوری داده‌ها

از آنجا که روش تحقیق پیمایشی است به منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات میدانی از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه استفاده گردید. همچنین جهت تدوین مبانی نظری و ادبیات تحقیق از مطالعه و اطلاعات کتابخانه‌ای، اینترنت و سایر منابع فارسی و لاتین استفاده شد. بنابراین در پژوهش حاضر ابزارهای اصلی گردآوری داده‌ها عبارت است از: مصاحبه و پرسش‌نامه، مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی مدارک، مستندات مکتوب و سوابق موجود در زمینه تحقیق آوری اطلاعات.

#### روایی و پایایی ابزار سنجش

ابزار اندازه‌گیری و سنجش در هر تحقیق باید از روایی و پایایی لازم برخوردار باشد تا محقق بتواند داده‌های متناسب با تحقیق را گردآوری نماید و پس از تجزیه و تحلیل این داده‌ها و آزمودن فرضیه‌ها پاسخی مناسب و درخور به سؤال‌های تحقیق ارائه دهد:

#### روایی ابزار

برای اطمینان از روایی ابزار سنجش روش‌های گوناگونی وجود دارند که در این تحقیق از دو روش بررسی روایی محتوا و روایی سازه استفاده می‌شود.



الف) به منظور اطمینان بیشتر از روایی محتوا در ابزار سنجش برخی اقدامات صورت

گرفت:

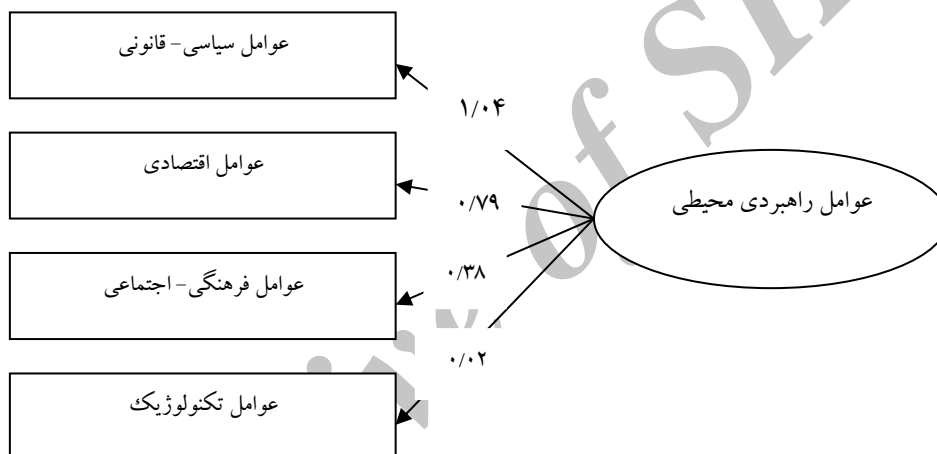
- ۱) مطالعه کتب و مقالات مربوط به موضوع تحقیق و تعیین اقلام اطلاعاتی لازم؛
- ۲) استفاده از نظر اساتید، خبرگان و صاحب نظران در حوزه‌های مربوط در قالب پنل دلفی به منظور اطمینان بیشتر در مورد صحت و روایی چارچوب نظری، ابعاد، مولفه‌ها و گویه‌ها؛
- ۳) استفاده از ابزار سنجش یا پرسشنامه‌های استاندارد و دارای روایی؛
- ۴) توزیع اولیه پرسشنامه بین گروه‌های نمونه و استفاده از بازخورها و نظرهای اصلاحی؛
- ۵) ارائه توضیح‌های لازم همراه با تحویل پرسشنامه به پاسخ دهندگان.

ب) تحلیل عاملی تأییدی جهت بررسی روایی سازه در مدل

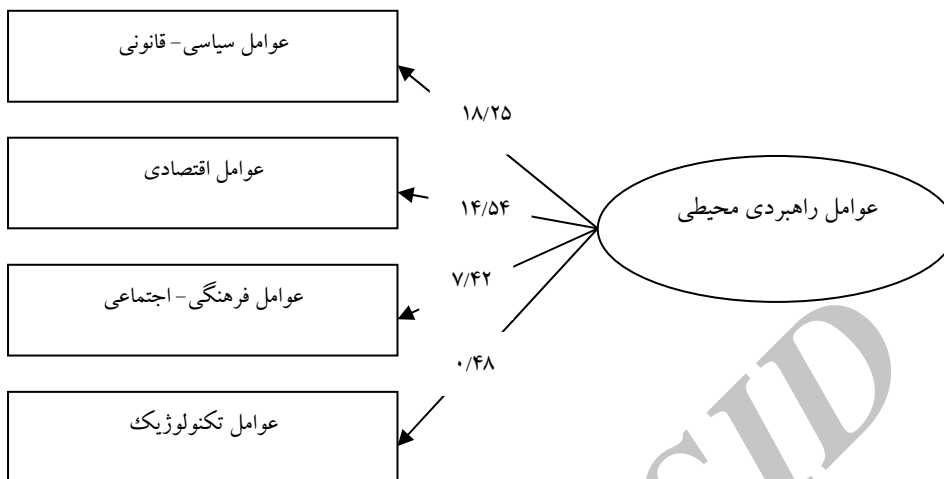
یکی از روش‌های معتبر علمی برای مطالعه ساختار داخلی یک مجموعه از شاخص‌ها و اندازه‌گیری روایی سازه، روش تحلیل عاملی تأییدی است که به برآورد بار عاملی و روابط بین مجموعه‌ای از شاخص‌ها و عوامل می‌پردازد. بار عاملی، معرف همبستگی شاخص با عامل مربوطه است و مانند هر گونه همبستگی دیگر تفسیر می‌شود. بر این اساس، هرچه بار یک شاخص در یک عامل بزرگ‌تر باشد، در تفسیر آن عامل باید وزن بیشتری به آن شاخص داده شود. در اینجا، روایی سازه ابعاد مختلف الگوی عملیاتی (روابط بین ابعاد هر یک از متغیرها) با استفاده از آزمون تحلیل عاملی تأییدی بررسی می‌شود.

## مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی (نمایش بارهای عاملی استاندارد و مقادیر آماره T)

مؤلفه‌های مربوط به متغیر عوامل راهبردی محیطی جدول‌های زیر نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های مربوط به متغیر عوامل استراتژیک محیطی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تمامی مؤلفه‌ها به جزء یک مورد (عوامل تکنولوژیک) از بار عاملی قابل قبولی در رابطه با متغیر مکنون مربوط برخوردارند.



نگاره ۳. بار عاملی هر یک از مؤلفه‌های عوامل راهبردی محیطی



نگاره ۴. مقدار آماره T هر یک از مؤلفه‌های عوامل راهبردی محیطی

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های مربوط به متغیر عوامل استراتژیک محیطی

بار عاملی	T Statistic	مؤلفه‌های عوامل راهبردی	شماره
۱/۰۴	۱۸/۲۵	عوامل سیاسی-قانونی	۱
۰/۷۹	۱۴/۵۴	عوامل اقتصادی	۲
۰/۳۸	۷/۴۲	عوامل فرهنگی-اجتماعی	۳
۰/۰۲	۰/۴۸	عوامل تکنولوژیک	۴



جدول ۴. نمایش نوع و مقادیر شاخص‌های برازش در مدل تحلیل عاملی تأییدی

نوع شاخص	نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
معیارهای برازش کل مدل	RMSEA	۰/۰۸	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
	RMR استاندارد شده	۰/۰۲	کمتر از ۰/۰۵	مطلوب
شاخص‌های برازش مطلق	GFI	۱/۰۰	بالاتر از ۰/۹۰	مطلوب
	AGFI	۰/۹۶	بالاتر از ۰/۹۰	مطلوب
شاخص‌های برازش نسبی	NFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	NNFI	۰/۹۶	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	CFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	IFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	RFI	۰/۹۴	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب

جدول ۵. مقادیر برخی شاخص‌های مهم در تأیید مدل

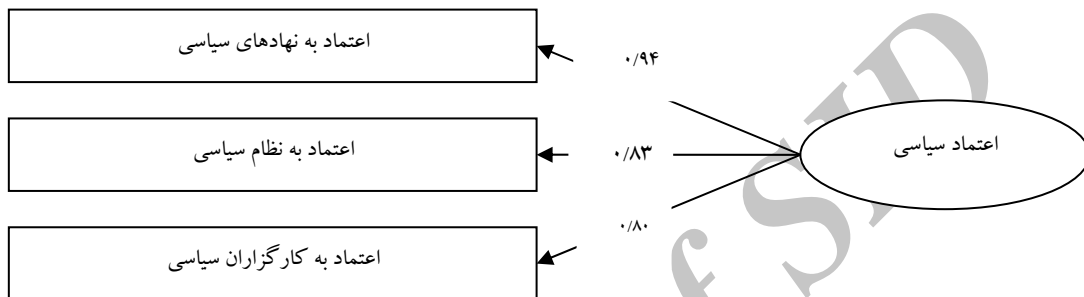
نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
Chi-Square	۳/۵۹	-	-
df	۱	-	-
P-value	۰/۰۵۸	بزرگ‌تر از ۰/۰۵	قابل قبول
RMSEA	۰/۰۸	کمتر از ۰/۰۸	قابل اغماض
Chi-Square/df	۳/۵۹	کوچک‌تر از ۴ یا ۲	قابل قبول

نگاره‌ها و جداول فوق خلاصه نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های متغیر عوامل استراتژیک محیطی را نشان می‌دهد و بیانگر این مطلب است که در میان ابعاد مورد بررسی، بعد عوامل سیاسی-قانونی با بار عاملی ۱/۰۴ دارای بیشترین تأثیر و بعد عوامل تکنولوژیک با بار عاملی ۰/۰۲ دارای کمترین میزان تأثیر می‌باشد.

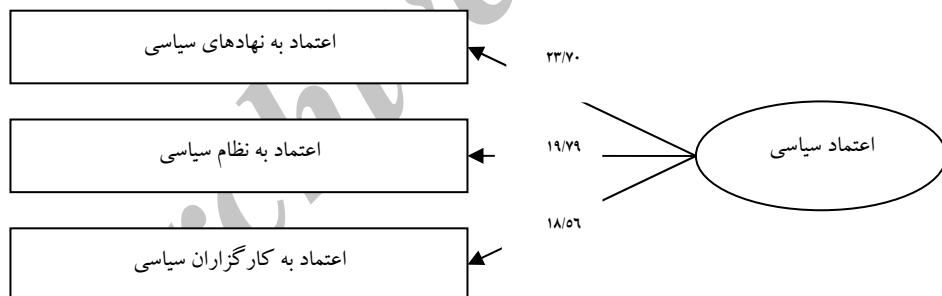


### مؤلفه‌های مربوط به متغیر اعتماد سیاسی

جداول ذیل نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های مربوط به متغیر اعتماد سیاسی را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که تمامی مؤلفه‌ها از بار عاملی قابل قبولی در رابطه با متغیر مکنون مربوط برخوردارند.



نگاره ۵. بار عاملی هر یک از مؤلفه‌های اعتماد سیاسی



نگاره ۶. مقدار آماره T هر یک از مؤلفه‌های اعتماد سیاسی



جدول ۶. نمایش نوع و مقادیر شاخص‌های برازش در مدل تحلیل عاملی تأییدی

نوع شاخص	نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
معیارهای برازش کل مدل	RMSEA	۰/۰۰	کمتر از ۰/۰۸	ایده آل
	RMR استاندارد شده	-	کمتر از ۰/۰۵	-
شاخص‌های برازش مطلق	GFI	-	بالتر از ۰/۹۰	-
	AGFI	-	بالتر از ۰/۹۰	-
شاخص‌های برازش نسبی	NFI	-	بیشتر از ۰/۹۰	-
	NNFI	-	بیشتر از ۰/۹۰	-
	CFI	-	بیشتر از ۰/۹۰	-
	IFI	-	بیشتر از ۰/۹۰	-
	RFI	-	بیشتر از ۰/۹۰	-

جدول ۷. مقادیر برخی شاخص‌های مهم در تأیید مدل

نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
Chi-Square	۰/۰۰	-	-
df	۰/۰۰	-	-
P-value	۱/۰۰	بزرگ‌تر از ۰/۰۵	ایده آل
RMSEA	۰/۰۰	کمتر از ۰/۰۸	ایده آل
Chi-Square/df	۰/۰۰	کوچک‌تر از ۴ یا ۲	ایده آل



جدول ۸. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های مربوط به متغیر اعتماد سیاسی

بار عاملی	T Statistic	مؤلفه‌های اعتماد سیاسی	$\lambda^2$
۰/۹۴	۲۳/۷۰	اعتماد به نهادهای سیاسی	۱
۰/۸۳	۱۹/۷۹	اعتماد به نظام سیاسی	۲
۰/۸۰	۱۸/۵۶	اعتماد به مدیران سیاسی	۳

نگاره‌ها و جداول فوق خلاصه نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های متغیر اعتماد سیاسی را نشان می‌دهد و بیانگر این مطلب است که در میان مؤلفه‌های مورد بررسی، مؤلفه اعتماد به نهادهای سیاسی با بار عاملی ۰/۹۴ دارای بیشترین تأثیر و مؤلفه اعتماد به مدیران سیاسی با بار عاملی ۰/۸۰ دارای کمترین میزان تأثیر نسبی در تبیین متغیر مکنون می‌باشد.

#### پایایی ابزار

ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده از طریق نرم افزار SPSS برای پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش برای یک نمونه آزمایشی اولیه به تعداد ۳۵ نفر، بسیار مطلوب و در حدود ۹۶٪ به دست آمده است. بنابراین از آنجایی که میزان این ضریب برای پرسشنامه‌های موجود بیش از ۷۰ درصد به دست آمده است می‌توان پایایی ابزار را پذیرفت.

جدول ۹. وضعیت پایایی ابزار سنجش

ردیف	مفاهیم	تعداد سؤال	$\alpha$ کرونباخ
۱	عوامل راهبردی محیطی	۴۹	۰/۸۸
۲	اعتماد سیاسی	۲۴	۰/۹۶



### پایایی سازگاری درونی ابزار سنجش بعد از رواسازی

جدول بعدی میزان پایایی ابزار سنجش را بعد از اندازه گیری روایی سازه و حذف شاخص های ضعیف از آن نشان می دهد که در آن مقدار  $\alpha$  کرونباخ برای کل سؤال ها برابر با ۰/۹۸ می باشد.

جدول ۱۰. میزان پایایی ابزار سنجش بعد از رواسازی

ردیف	مفاهیم	تعداد سؤال	$\alpha$ کرونباخ
۱	عوامل راهبردی محیطی	۴۹	۰/۹۲
۲	اعتماد سیاسی	۲۴	۰/۹۶

ملاحظه می شود که پس از اندازه گیری روایی سازه ابزار سنجش و حذف دو مولفه با تعداد ۶ شاخص ضعیف از آن، پایایی کل پرسشنامه نیز از ۰/۹۷ به ۰/۹۸ رسیده و به میزان ۰/۰۱ بهبود پیدا کرده است.

### روش تجزیه و تحلیل داده ها

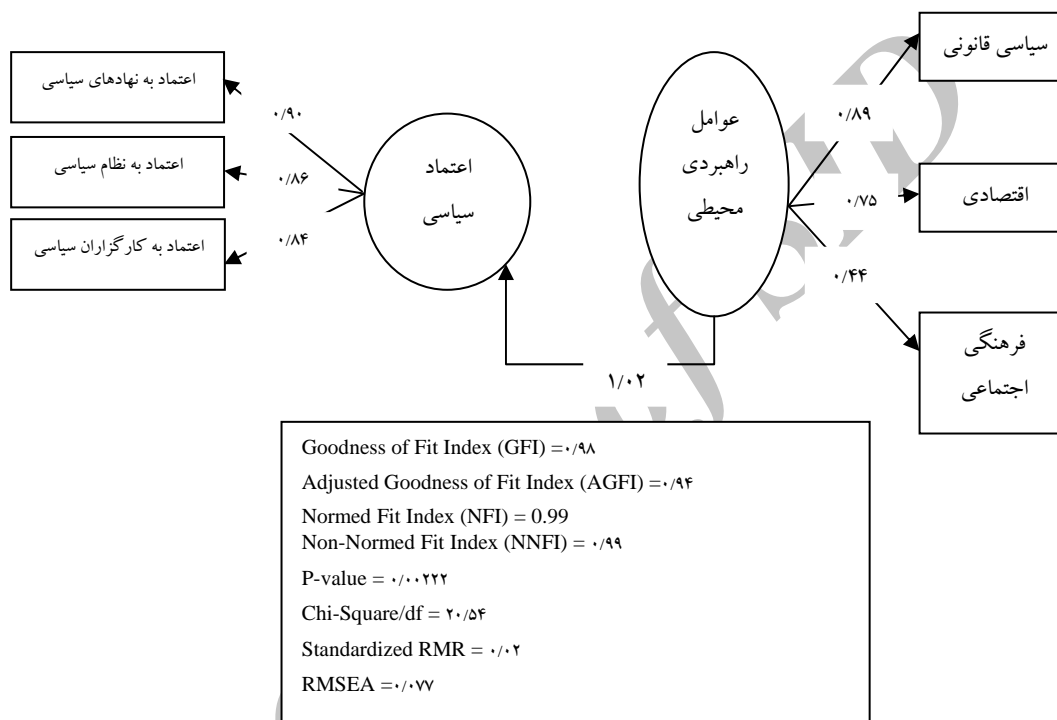
جهت تجزیه و تحلیل استنباطی داده ها و آزمون فرضیه های تحقیق از فنون آمار استنباطی بنا به ضرورت استفاده شده است. در این پژوهش آزمون های آماری اصلی مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده ها عبارت است از: آزمون رگرسیون برای سنجش و مقایسه تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل که با استفاده از نرم افزار آماری SPSS انجام گرفته است. همچنین تحلیل عاملی تأییدی برای آزمون اعتبار اجزا مدل به کمک نرم افزار لیزرل صورت می گیرد. ضمناً از مدل معادلات ساختاری از نوع تحلیل مسیر در نرم افزار لیزرل برای آزمون و تأیید نهایی کل مدل نیز استفاده می شود.

### آزمون فرضیه های تحقیق

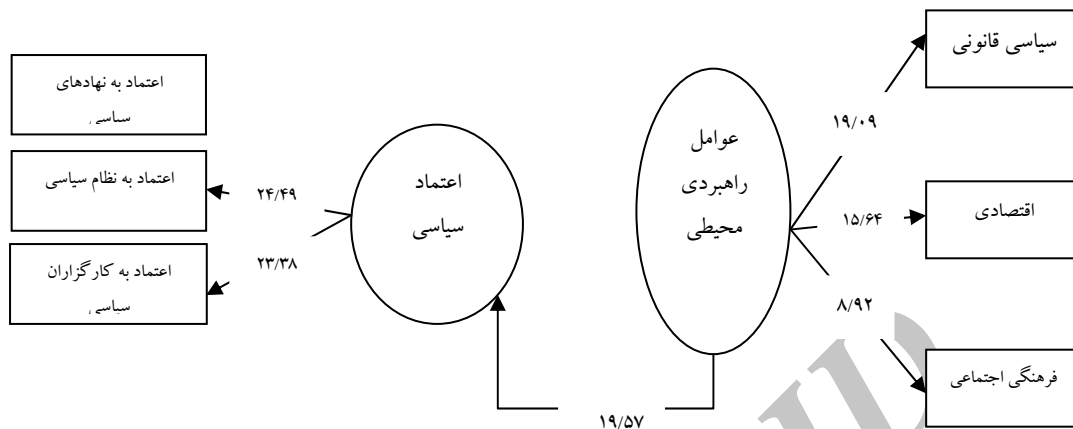
در این پژوهش یک فرضیه اصلی مطرح بوده است که برای آزمون آن به تناسب نوع فرضیه و داده های گردآوری شده، از روش های آزمون تحلیل عاملی تأییدی (به عنوان



مقدمه‌ای برای ترسیم مدل نهایی) و آزمون تحلیل مسیر (میزان ضریب مسیر و آماره T) برای بررسی میزان صحت فرضیات استفاده شده است. در اینجا پس از ارائه مدل معادلات ساختاری اصلاحی همراه با نمایش مقدار ضریب مسیر و آماره T برای هر یک از مسیرهای اصلی مدل مزبور نتایج آزمون به ترتیب برای هر یک از فرضیه‌ها بیان می‌شود.



نگاره ۷. مدل معادلات ساختاری (نمایش ضرایب مسیر در مدل نهایی)



نگاره ۸. آزمون فرضیات اصلی با توجه به مقادیر t (نمایش مقادیر آماره t در مدل نهایی)

### شاخص‌های برازش مدل

جدول ۱۲. نمایش نوع و مقادیر شاخص‌های برازش در مدل معادلات ساختاری (لیزرل)

نوع شاخص	نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
معیارهای برازش کل مدل	RMSEA	۰/۰۷۷	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
	RMR استاندارد شده	۰/۰۲	کمتر از ۰/۰۵	قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	GFI	۰/۹۸	بالاتر از ۰/۹۰	مطلوب
	AGFI	۰/۹۴	بالاتر از ۰/۹۰	مطلوب
شاخص‌های برازش نسبی	NFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	NNFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	CFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	IFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	RFI	۰/۹۸	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب

جدول ۱۳. مقادیر برخی شاخص‌های مهم در تأیید مدل

نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
Chi-Square	۲۰/۵۴	-	-
df	۶	-	-
P-value	۰/۰۰۲	بزرگ‌تر از ۰/۰۵	قابل اغماض
RMSEA	۰/۰۷۷	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
Chi-Square/df	۳/۴۲	کوچک‌تر از ۴	قابل قبول

جدول ۱۴. میزان ضریب مسیر و آماره t در مسیر اصلی مدل معادلات ساختاری

ردیف	مؤلفه‌های عوامل راهبردی	T Statistic	ضریب مسیر
۱	عوامل راهبردی محیطی به اعتماد سیاسی	۱۹/۵۷	۱/۰۲

همان‌گونه که از نتایج مندرج در جداول فوق استنباط می‌شود شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری (مشمول بر شاخص‌های برازش کل مدل، شاخص‌های برازش مطلق و شاخص‌های برازش نسبی) پس از انجام برخی اصلاحات جزئی در مدل اولیه در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند. بنابراین انطباق الگوی کلی پژوهش با داده‌های گردآوری شده در تحقیق حاضر رد نمی‌شود. همچنین ملاحظه می‌شود که میزان RMSEA یا خطای دوم تقریب میانگین در حد قابل قبولی قرار دارد و مقدار محاسبه شده نسبت Chi-Square/df نیز نسبتاً مطلوب است. از همین رو می‌توان گفت مدل کلی تحقیق از برازندگی مناسبی برخوردار است. در نهایت با مطالعه جدول آخر مشخص است در مسیر اصلی میزان ضریب مسیر بالای ۰/۳ و قدر مطلق آماره T نیز بیشتر از عدد ۲ می‌باشد. به این ترتیب فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر نقش آفرینی عوامل استراتژیک محیطی در تعیین سطح اعتماد سیاسی، تأیید می‌شود.

## آزمون فرضیات فرعی تحقیق

به منظور عملیاتی کردن و آزمون هر یک از فرضیات فرعی تحقیق نیز از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شده است. نتایج آزمون رگرسیون چندگانه برای هر دسته از متغیرها به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۱۵. تأثیر مؤلفه‌های عوامل راهبردی بر متغیر وابسته اعتماد سیاسی (آزمون رگرسیون

## چندگانه)

مورد	ضریب تعیین (مجذور)	ضریب همبستگی کلی	ضرایب همبستگی استاندارد	درصد تبیین	درصد تبیین	سطح معناداری	سطح معناداری کلی
متغیرها	همبستگی کلی	(R)	تفکیک شده	متغیرهای مستقل	سایر متغیرها	تفکیک sig.(2-tailed)	
	$R^2$	(Beta)					
عوامل سیاسی - قانونی	۰/۷۶	۰/۸۷	۰/۷۶	۰/۵۱	۰/۱۶	۰/۰۰	۰/۰۰
عوامل اقتصادی			۰/۰۷۶				۰/۰۷۴
عوامل فرهنگی - اجتماعی			۰/۱۱۱				۰/۰۰

در صورتی که تأثیر همزمان مؤلفه‌های عوامل راهبردی را بر متغیر اعتماد سیاسی محاسبه کنیم نتایج حاصل منطبق بر جدول فوق خواهد بود. ملاحظه می‌شود که سطح معناداری کلی برابر ۰/۰۰ است پس فرض خطی بودن روابط در این معادله رگرسیونی در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود.

با عنایت به ضریب تعیین می‌توان گفت که حدود ۷۶٪ از تغییر یا نوسانات اعتماد سیاسی به وسیله این معادله رگرسیونی (مشمول بر سه متغیر پیش‌بین و متغیر وابسته اعتماد سیاسی) تبیین می‌شود. جهت مقایسه اثر سه متغیر مستقل موجود در این معادله رگرسیونی بر متغیر وابسته با استفاده از ستون سطح معناداری تفکیکی می‌توان نتیجه گرفت که فرض تساوی ضرایب رگرسیون و مقدار ثابت با عدد صفر در مورد دو مؤلفه عوامل سیاسی - قانونی و عوامل فرهنگی - اجتماعی تأیید نمی‌شود و نیازی به خروج آنها از معادله





رگرسیون نیست. یعنی اثرگذاری خطی آنها صورت تفکیکی و مستقل تأیید می‌شود. حال با توجه به ضرایب همبستگی استاندارد Beta برای این دو متغیر می‌توان گفت که عوامل سیاسی-قانونی و عوامل فرهنگی-اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر اعتماد سیاسی بر جای می‌گذارند. به عبارت بهتر به ازای یک واحد تغییر (بهبود) در عوامل سیاسی-قانونی حدود ۷۶ درصد تغییر (بهبود) در متغیر اعتماد سیاسی ایجاد می‌شود و در ازای یک واحد تغییر (بهبود) در عوامل فرهنگی-اجتماعی حدود ۱۱ درصد تغییر (بهبود) در متغیر اعتماد سیاسی را شاهد هستیم. ضمناً حدود ۵۱ درصد از تغییر اعتماد سیاسی توسط متغیرهای مستقل این معادله تبیین می‌شود و حدود ۱۶ درصد از تغییر در متغیر مزبور را نیز می‌توان به سایر متغیرهای اتفاقی یا تصادفی نسبت داد که احتمالاً در اینجا ملاحظه نشده است. به این ترتیب می‌توان گفت که در سطح خطای ۰/۰۱ فرض  $H_0$  در مورد دو فرضیه فرعی ۱ و ۳ رد و فرض مقابل (فرض  $H_1$  یا فرض تحقیق) تأیید می‌گردد. بنابراین دو فرضیه فرعی مذکور در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌گردند و فرضیه فرعی مربوط به تأثیرگذاری مستقیم عوامل اقتصادی (فرضیه ۱-۲) نیز در سطح احتمال فوق تأیید نگردیده و رد می‌شود. ضمناً با عنایت به اصلاح مدل در قسمت قبلی، فرضیه مربوط به تأثیر عوامل تکنولوژیک نیز از اولویت بررسی کنار گذاشته شد.

### تحلیل نتایج و ارائه پیشنهادهاى تحقیق

با تأیید فرضیه اصلی تحقیق این نتیجه حاصل شد که عوامل استراتژیک محیطی (PEST) بر اعتماد سیاسی مؤثرند. از بین فرضیات فرعی مربوط به این بخش نیز دو مورد از آنها (۱ و ۳) تأیید و دو فرض باقیمانده (۲ و ۴) رد می‌شوند (فرضیه فرعی شماره ۴ در مرحله تحلیلی عاملی تأییدی حذف شد و فرضیه ۲ نیز در نهایت به تأیید نرسید). با توجه به ضرایب Beta برای مؤلفه‌های عوامل استراتژیک محیطی می‌توان گفت که عوامل سیاسی-قانونی (مانند میزان مشارکت سیاسی، حاکمیت قانون و عدالت‌مداری، فساد سیاسی، چگونگی عملکرد احزاب و گروه‌های سیاسی و ...) و عوامل فرهنگی-اجتماعی (مانند سطح اعتماد و مشارکت اجتماعی، اعتقاد و باورهای دینی، فاصله قدرت، فردگرایی،



خطرپذیری یا خطرگریزی، میزان توجه به ارزش های فرامادی و ... به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر اعتماد سیاسی بر جای می گذارند. به عبارت دیگر در بین متغیرهای مستقل مطرح در این پژوهش اولویت و ارجحیت تأثیرگذاری بر متغیر وابسته اعتماد سیاسی به ترتیب با دو عامل سیاسی-قانونی و فرهنگی-اجتماعی است. همچنین گفتیم که فرضیه اصلی مبنی بر تأثیرگذاری کلی عوامل استراتژیک محیطی (PEST) بر اعتماد سیاسی به تأیید می رسد. به این ترتیب با احتمال بیشتری می توان نقش عوامل استراتژیک محیطی را در تعیین میزان اعتماد سیاسی در کشورها تأکید نمود. با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون این فرضیه لازم است در محاسبه سطح اعتماد سیاسی و بررسی عوامل تأثیرگذار بر این متغیر توجه خاصی نسبت به وضعیت عوامل استراتژیک محیطی در جامعه معطوف گردد زیرا نتیجه این تحقیق مؤید نظر صاحب نظران پیشین و نیز نتایج برخی پژوهش های گذشته درباره تأثیر مستقیم بسیاری از عوامل راهبردی محیطی بر سطح اعتماد سیاسی در یک کشور یا اجتماع است. پیشنهاد می شود در این زمینه و به ترتیب اولویت بیشترین توجه دولت و سازمان های عمومی در ایران بر مدیریت و بهبود وضعیت عوامل سیاسی-قانونی و عوامل فرهنگی-اجتماعی متمرکز شود زیرا این عوامل (به ترتیب) بر سطح اعتماد سیاسی بیشترین تأثیر را خواهند گذاشت. بنابراین با توجه به مستقیم بودن عوامل مذکور بر سطح اعتماد سیاسی در جامعه توصیه می شود در برنامه های حال و آینده دولت مردان برای سنجش و ارزیابی یا بهبود اعتماد سیاسی توجه ویژه و مضاعفی به نقش این عوامل مبذول گردد. در عین حال تذکر این نکته لازم است که اگرچه دو گروه عوامل اقتصادی و رسانه ای در مقایسه با عوامل مؤثری همچون مؤلفه های سیاسی-قانونی و فرهنگی-اجتماعی از اولویت تأثیرگذاری برخوردار نشدند اما این به معنای عدم تأثیر این عوامل نیست و برخی تحقیقات صورت گرفته حاکی از اثر مستقیم و به ویژه غیرمستقیم این عوامل می باشند (از جمله تحقیقی که توسط نگارندگان صورت گرفته است تا حدود زیادی این مطلب را تأیید می نماید و بر آن صحنه می گذارد که به دلیل محدودیت های موجود در اینجا به همین مقدار بسنده و احتمالاً در فرصت دیگری به آن پرداخته خواهد شد). بنابراین نباید از نقش مهم این عوامل (اگر چه در قالب تأثیر غیرمستقیم) غفلت شود.



### پیشنهاد به سایر پژوهشگران و اساتید (محققان آینده)

- ۱) تحقیق حاضر با استفاده از روش‌های کمی و به طور مشخص پیمایش انجام شده است. به پژوهشگران آینده توصیه می‌شود با بهره‌گیری از روش‌های کیفی نظیر مصاحبه عمیق، مشاهده مشارکتی، تحلیل محتوا، مطالعه موردی، تحقیق داده بنیان یا سایر روش‌های مربوط چنین تحقیقی را انجام دهند و ضمن ارائه الگوهای جدیدتر نتایج حاصل از تحقیقات مذکور را با نتایج به دست آمده از این تحقیق و تحقیقات پیشین مقایسه نمایند؛
- ۲) طراحی و آزمون سایر مدل‌های مطرح شده در حوزه اعتماد سیاسی خصوصاً مدل‌هایی که عمدتاً در سال‌های اخیر به جامعه علمی معرفی شده‌اند و مقایسه آنها با الگوی ارائه شده در این پژوهش به منظور غنی‌تر ساختن ادبیات کنونی تحقیق؛
- ۳) مطالعه تطبیقی اعتماد عمومی به دولت، اعتماد سیاسی در کشورهای مختلف، مناطق یا شهرهای مختلف یک کشور (از جمله کشور ایران) و یافتن علل و عواملی که باعث تفاوت‌های احتمالی در میان بخش‌ها می‌شوند؛
- ۴) بررسی سایر عوامل احتمالی مؤثر در افزایش یا کاهش اعتماد عمومی و تکمیل یا اصلاح مدل ارائه شده در این پژوهش (برای مثال وارد ساختن عواملی نظیر پاسخگویی، کارایی، اثربخشی، عملکرد و ... ارزیابی میزان تأثیر و نحوه اثر آنها یا بررسی در مورد دیگر عوامل راهبردی محیطی و تکمیل و اصلاح طبقه‌بندی صورت گرفته در خصوص این عوامل)؛
- ۵) پیش از این اشاره شد که آنچه اهمیت دارد ادراک عمومی در مورد وضعیت کنونی این عوامل است نه واقعیت موجود، زیرا ادراک یا طرز تلقی افراد مبنای داوری یا رفتار آنان در خصوص موضوع روز جامعه است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران آینده ادراک عمومی در مورد متغیرهای چنین تحقیقاتی را بررسی کنند و آن را با واقعیت‌های موجود در جامعه مقایسه نمایند. در صورت وجود اختلاف معنادار بین این دو مقوله می‌توان پژوهش‌هایی را برای شناخت عوامل مؤثر بر این امر و ریشه‌یابی جهت کشف چگونگی و چرایی این مشکل طراحی و اجرا نمود؛

۶) بررسی نقش واسطه‌ای بوروکراسی‌های دولتی در تغییر و نوسانات اعتماد سیاسی در یک جامعه.

### منابع فارسی

- اجاقلو، سجاد؛ زاهدی، محمد جواد. (۱۳۸۴). *بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان*، مجله جامعه‌شناسی ایران؛ شماره ۴.
- حیدری، سیامک. (۱۳۸۷). *عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی به حکومت در میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- دانایی فرد، حسن. (۱۳۸۱). *اعتماد به دولت؛ بازتاب عملکرد سیستم خدمات عمومی*، فصلنامه مدیریت و توسعه، شماره ۱۳.
- شایگان، فریبا. (۱۳۸۶). *دینداری و تأثیر آن بر اعتماد سیاسی*، پایان نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- گلایی، فاطمه. (۱۳۸۳). *نقش اعتماد اجتماعی در امر توسعه، با تأکید بر عملکرد نقش شورای اسلامی؛ پایان نامه دکتری*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- گیدنز، انتونی. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته؛ ترجمه حسن ثلاثی*. تهران: چاپ اول، نشر نی.

### منابع لاتین

- Alesina, Alberto, and Romain Wacziarg, (2000), *The Economics of Civic Trust*, In *Disaffected Democracies. What's Troubling the Trilateral Countries?* Edited by S. J. Pharr and R. D. Putnam. New Jersey: Princeton University Press
- Almond, Gabriel, and Sidney Verba. (1963), *The Civic Culture. Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, Newbury Park: Sage
- Brehm, John, and Wendy Rahn, (1997), *Individual-Level Evidence for the Causes and Consequences of Social Capital*. *American Journal of Political Science* 41 (3): 999-1023.
- Bretzer, Noreen, 2002, *how can Institutions Better Explain Political Trust than Capitals Do?* PHD Theses, University of Gothenburg, Sweden, From: WWW.Google.Com
- Burg, A., (2005), *Creating trust? A critical perspective on trust-enhancing efforts in public services* *Public performance & Management review*. Vol.28 No.4



- Clarke, Harold D., Nitish Dutt, and Allan Kornberg, (1993), *The Political Economy of Attitudes towards Polity and Society in Western European Democracies*, Journal of Politics 55 (4): 998-1021
- Cusack, Thomas R. (1999), *The Shaping of Popular Satisfaction with Government and Regime Performance in Germany*, British Journal of Political Science 29 (1): 641-672
- Dalton, Russell. J, (2000), *Value Change and Democracy*. In *Disaffected Democracies. What's Troubling the Trilateral Countries?*, edited by S. J. Pharr and R. D. Putnam. New Jersey: Princeton University Press
- Easton, David, 1965, *A systems analysis of Political life*, new York, John Wiley & sons
- Easton, David, 1975, *A Re-Assessment of the Concept of Political Support*, British Journal of Political Science 5 (4): 435-457
- Espinal, Rosario, Jonathan Hartlyn and Jana Morgan Kelly, (2006), *Performance Still Matters. Explaining Trust in Government in the Dominican Republic*, Comparative Political Studies 39 (2): 200-223
- Fukuyama, f, 1995, *Trust: The Social Virtuous and the Creation of Prosperity*, New York: The Free Press
- Gabriel, Oscar. W, (1995), *Political Efficacy and Trust*, In the Impact of Values, Edited by I. W. van Deth and E. Scarbrough, Oxford: Oxford University Press
- Gamson, W. 1968, *Power and Discontent*, Homewood: Dorsey Press
- Gordon, M. T, 2000, *Public Trust in Government; The USA Media as an Agent Accountability*, International Review of Administrative Sciences, 4(3), 297-310
- Hall, Peter A. (2002), *The Role of Government and the Distribution of Social Capital*, In *Democracies in Flux. The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*, edited by R. D. Putnam. Oxford: Oxford University Press
- Hetherington, Marc J. (1998). *The Political Relevance of Political Trust* American Political Science Review 92: 791-808
- Inglehart, Ronald. (1997), *Modernization and Post modernization, Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies*, Princeton: Princeton University Press
- King, D. C. (1997), *The polarization of American parties and the mistrust of government*. In J. S. Nye, P. D. Zelikow, & D. C. King (Eds.), *Why people don't trust government* (pp. 155-178). Cambridge, MA: Harvard University Press
- Larson Larsake, (2007), *Public trust in the PR industry and its actors* Journal of Communication Management Vol.11 No.3 pp.222-234
- Levi, Margaret and Laura Stoker, (2000), *Political Trust and Trustworthiness*, Annual Review of Political Science 3: 475.507
- Luhman, N. (1979) *Trust and power*, New York, John Willey
- McAllister, Ian. (1999), *The Economic Performance of Governments*, In *Critical Citizen., Global Support for Democratic Government*, edited by P. Norris. Oxford: Oxford University Press
- Miller, Arthur H. (1974). *Political Issues and Trust in Government: 1964-1970*, American Political Science Review 68 (3): 951-972
- Mishler, William & Richard Rose. (2001). *What are the Origins of Political Trust? Testing Institutional and Cultural Theories in Post-Communist Societies*, Comparative Political Studies 34 (1): 30-62
- Neustadt, R. E. (1997), *The politics of mistrust*, in I. S. Nye, P. D. Zelikow, & D. C. King (Eds.), *Why people don't trust government* (pp. 179-201). Cambridge, MA: Harvard University Press



- Newton, Kenneth,( 2007), *Social and Political Trust*, In The Oxford Handbook of Political Behavior, edited by R. J. Dalton and H.-D. Klingemann, Oxford: Oxford University Press
- Newton, Kenneth. (1999). *Social and Political Trust in Established Democracies*, In Critical Citizens. Global Support for Democratic Governance, edited by P. Norris. Oxford: Oxford University Press
- Newton. Kenneth and Pippa Norris. (2000), *Confidence in Public Institutions: Faith, Culture, or Performance?* In Disaffected Democracies. What's Troubling the Trilateral Countries? Edited by S. J. Pharr and R. D. Putnam. New Jersey: Princeton University Press
- Nyhan, R.C. (2000), *Changing the paradigm: trust and its role in public sector organizations*, American Review of Public Administration, Vol. 30 No. 1, pp. 87-109.
- Nyhan, R.C. and Marlowe, H.A. (1997), *Development and psychometric properties of the organizational trust inventory*, Evaluation Review, Vol. 21 No. 5, pp. 614-35.
- Offe, Claus, (1999), *How Can We Trust Our Fellow Citizens?* In Democracy and Trust, edited by M. Warren. Cambridge: Cambridge University Press
- Putnam, Robert D, (1995), *Tuning In, Tuning out: The strange Disappearance of Social Capital in America*. PS Political Science & Politics December 1995: 664-683
- Rooter. J.B. (1967). *A new scale for the measurement of interpersonal trust*, Journal of personality 35, 651-665
- Sabine T. Koeszegi, (2004), *Trust-building strategies in inter-organizational negotiations* Journal of Managerial Psychology Vol .19 No.6 pp.640-660
- Stokes, Donald. E, (1962), *Popular Evaluations of Government: An Empirical Assessment*. In Ethics and Business: Scientific, Academic. Religious, Political and Military, edited by H. Cleveland and H. D. Laswell. New York: Harper & Brothers
- Zucker .L.G, (1989). *Production of trust; Institutional Resources of Economic Structure*, Research in Organizational Behavior, 8, 53-111